

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال بیست و یکم، شماره هشتاد و سوم

پاییز ۱۳۹۹

اعتبار سنجی تاریخی رجال شیخ طوسی در ضبط اصحاب امام حسین علیه السلام

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۲۴ تاریخ تأیید: ۱۳۹۹/۸/۲۴

۱ ابراهیم صالحی حاجی آبادی

۲ رضا رضانی

۳ رشید رکابیان

رجال شیخ طوسی از مهم‌ترین کتاب‌های رجالی شیعه به شمار می‌رود که در میان متأخران و معاصران جایگاهی والا دارد. برخی افراد، این کتاب را برای برداشت‌های رجالی و گاه تاریخی کافی می‌دانند، اما به نظر می‌رسد اعتماد ویژه به رجال شیخ، آن هم بدون در نظر گرفتن دیگر گزارش‌های تاریخی نادرست است. این مقاله با چنین پیش‌فرضی برای مشخص شدن میزان اعتبار این کتاب، آنچه را که شیخ طوسی درباره اصحاب امام حسین علیه السلام بیان کرده است، مورد بررسی و واکاوی قرار می‌دهد. در این پژوهش با تکیه بر دیگر گزارش‌ها و تحلیل‌های تاریخی و تطبیق نسخ خطی و چاپی متعدد از رجال شیخ طوسی، قابل تأمل بودن برخی گزارش‌های شیخ طوسی درباره اصحاب امام حسین علیه السلام به اثبات می‌رسد.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، دانشگاه باقر العلوم علیه السلام (salehi.ebrahim14@gmail.com).

۲. استادیار دانشگاه آیت الله بروجردی (ره) (ramazanireza@yahoo.com).

۳. استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه آیت الله بروجردی (ره) (ra.recabian@gmail.com).

کلیدواژگان: اعتبارسنجی گزاره‌های تاریخی، نقد تاریخی، علم رجال، شیخ طوسی، اصحاب امام حسین علیه السلام.

۱. مقدمه

کتاب رجال شیخ طوسی (۴۶۰ق.) از منابع مهم رجالی شیعه در نقل نام راویان و اصحاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام است. عظمت علمی شیخ و قدمت تاریخی رجال وی سبب شده است، این کتاب در میان معاصران رجال شناسی، فقها، تاریخ پژوهان و غیره از جایگاه ویژه‌ای برخوردار باشد و به عنوان منبعی قابل اعتماد به آن استناد کنند، اما با وجود آن که وظیفه علم رجال، شناخت شخصیت و احوال راویان و اصحاب معصومین علیهم السلام است،^۱ بیشتر رجال شناسان بعد از شیخ طوسی، به خصوص رجال شناسان متأخر و معاصر، مطالب رجال شیخ را بدون هیچ گونه دخل، تصرف، نقد و بررسی در کتاب‌های رجالی خود منعکس کرده‌اند. حال آن که هدف علم رجال، معرفی و هویت شناسی رجال است، نه فقط انعکاس دیدگاه‌های شیخ طوسی.

نکته قابل تأمل که باید درباره کتاب‌های رجالی متأخر و معاصر مورد توجه قرار گیرد این است که قدمت تاریخی رجال شیخ و بزرگی وی نباید این تصور را به وجود آورد که باید مکتوبات بزرگان را بدون تحقیق و کندوکاو تاریخی پذیرفت. به سخن دیگر، وسعت اطلاعات شیخ طوسی و تخصص بالای وی در رشته‌های مختلف علوم و عظمت معنوی وی نباید مانع از نقد و تأمل در برخی گزارش‌ها و منقولات وی شود. این تحقیق در پی پاسخ به این سوال است که آیا هر آنچه شیخ طوسی ذیل اصحاب امام حسین علیه السلام ضبط کرده است صحیح و قابل اعتماد و استناد است یا نه؟

نسخه شناسی و توجه به نسخ متعدد از رجال شیخ، یکی از مزایای این پژوهش است که از اهمیت والایی برخوردار است و این گونه می‌توان برخی دیدگاه‌های درست را از

۱. الایجاز فی علمی الرجال و الدراییه، ص ۳۰۷.

نادرست تشخیص داد و به نظر اصلی نویسنده پی برد. درباره پیشینه این تحقیق می‌توان گفت که در برخی از کتاب‌ها مانند قاموس الرجال تستری (۱۳۲۱ق.و) و تنقیح المقال مامقانی (۱۳۵۱ق.) به صورت موردی نکاتی درباره رجال شیخ بیان شده است.

هم‌چنین، به چندین مقاله تحت عناوین باب من لم یرو عن الائمه فی کتاب الرجال ال شیخ الطوسی نوشته حسینی جلالی،^۱ مع الطوسی فی رجاله نوشته دریاب نجفی،^۲ نقد مقال مع الطوسی فی رجاله مقاله دریاب نجفی که در نقد مقاله دریاب نجفی به وسیله محمد عبدالله نوشته شده است، می‌توان اشاره کرد.^۳ مدخل رجال طوسی نوشته محمد جواد شبیری از دیگر مقالاتی است که درباره رجال شیخ نوشته شده است،^۴ اما وجه تمایز تحقیق پیش رو با دیگر تحقیقاتی که پیرامون رجال شیخ انجام شده‌اند، این است که در این پژوهش به صورت تخصصی اصحاب امام حسین علیه السلام در رجال شیخ، ضمن تطبیق با گزاره‌های تاریخی، مورد اعتبار سنجی قرار می‌گیرند.

۲. معرفی و اهمیت رجال شیخ

شیخ طوسی در علم رجال دو کتاب به نام فهرست و رجال نوشته است و با توجه به آن که پایان کتاب رجال، تحت عنوان «کسانی که تنها از یکی از ائمه علیهم السلام روایت نکردند»، مواردی را به فهرست ارجاع می‌دهد^۵ و در توضیح نوزده نام از این اسامی تصریح می‌کند که ما این مطلب را در کتاب فهرست بیان کردیم^۶، می‌توان استنباط کرد که فهرست قبل

۱. مجله تراثنا، سال ۲، ش ۲ و ۳، ص ۴۵-۱۴۹.

۲. مجله الفکر الاسلامی، ش ۲، ص ۹۴-۱۲۳.

۳. همان، ش ۵، ص ۲۰۵ و ۲۱۰.

۴. شبیری زنجانی، «رجال طوسی»، دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۹، ص ۵۴۳.

۵. شیخ طوسی، رجال، تحقیق قیومی، ص ۸.

۶. ر. ک: شیخ طوسی، رجال، تحقیق قیومی، ص ۴۱۱، ۴۰۹، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۲۳، ۴۲۱، ۴۱۷ و ...

از رجال نوشته شده است. رجال شیخ دارای نام‌هایی چون الرجال،^۱ اسماء الرجال^۲ و الابواب است.^۳ این کتاب از سیزده باب تشکیل گردیده است و در آن نام ۶۴۲۹ تن از راویان و اصحاب بیان شده است.^۴

برخی از اهل سنت، به دلیل اهمیت رجال شیخ، مطالب آن را گزارش کرده‌اند.^۵ به گونه‌ای که ابن حجر عسقلانی (۸۵۲ق.) در *لسان المیزان* بیش از ۳۵۰ مرتبه با استناد به رجال شیخ تحت نام *رجال الشیعه*، مطالبی را از رجال شیخ طوسی نقل می‌کند.^۶ نکته قابل تأمل این که نمی‌توان ادعا کرد، استناد ابن حجر به رجال شیخ برای تضعیف رجال شیعه است؛ چرا که وقتی به موارد مورد استناد ابن حجر عسقلانی مراجعه می‌شود در بسیاری از موارد، سخن از تضعیف نیست. بلکه ابن حجر، نام افراد و اصحاب ائمه (ع) را با استناد به رجال شیخ نقل می‌کند.^۷ نکته دیگر این که ابن حجر به طور مستقیم به رجال طوسی مراجعه می‌کند و مطالب شیخ را با واسطه از کتاب‌های دیگری نقل می‌نماید.^۸

هم‌چنین، شیخ طوسی درباره هدف و فلسفه تدوین رجال می‌نویسد:

۱. شیخ طوسی، *الفهرست*، ص ۲۴۱؛ نجاشی، *فهرست مصنفی الشیعه*، ص ۴۰۳.

۲. مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۱۰۴، ص ۱۳۵.

۳. شیخ طوسی، *الفهرست*، ص ۶؛ *بحر العلوم*، *الفوائد الرجالیة*، ج ۳، ص ۲۳۱؛ شیخ عباس قمی، *الکنی و الالقاب*، ج ۲، ص ۳۹۶.

۴. شبیری زنجانی، «رجال طوسی»، *دانشنامه جهان اسلام*، ج ۱۹، ص ۵۴۴.

۵. ر. ک: ابن حجر عسقلانی، *تهذیب التهذیب*، ج ۱، ص ۳۹۰؛ ابن حجر عسقلانی، *لسان المیزان*، ج ۱، ص ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۳۲، ۴۹، ۵۰، ۵۵، ۵۸، ۶۶، ۸۰؛ ج ۲، ص ۴، ۱۴، ۱۵، ۲۷ و ج ۴، ص ۲۵۸.

۶. شبیری زنجانی، «رجال طوسی»، *دانشنامه جهان اسلام*، ج ۱۹، ص ۵۴۳.

۷. ابن حجر عسقلانی، *لسان المیزان*، ج ۱، ص ۲۶، ۲۵، ۴۰، ۲۹، ۴۹، ۵۲ و ج ۲، ص ۴، ۵، ۱۴، ۷، ۱۵.

۸. شبیری زنجانی، «رجال طوسی»، *دانشنامه جهان اسلام*، ج ۱۹، ص ۵۵۲.

این کتاب در اجابت و درخواست مکرر شیخ فاضل نوشته شد که از من درخواست کرد کتابی مشتمل بر اسامی رجال و راویان از پیامبر و ائمه اطهار علیهم السلام تا زمان قائم بنویسم. در پایان باب دیگری با عنوان من لم یرو عنهم، اضافه نمودم که مشتمل بر دو گروه است، کسانی که متأخر از زمان ائمه هستند و افرادی که در زمان ائمه می‌زیستند، اما روایتی از آنها نقل نشده است. این کتاب را طبق حروف معجم مرتب نمودم که اول آنها همزه و آخرش یاء است تا دست یابی به مطالب آن آسانتر باشد... کتابی جامع برای اصحاب ائمه در این باره را نیافتیم، مگر کتاب ابن عقده که تنها اصحاب امام صادق علیه السلام را ذکر کرده و راویان سایر ائمه را ضبط نموده بود، از همین روی من اسامی و مطالبی را نقل کردم که کسی تا کنون آنها را جمع آوری نکرده است.^۱

گویا مراد از شیخ فاضل که درخواست نگارش رجال را کرده بود، قاضی ابن براج (۴۸۱ق.) است.^۲ نکته قابل توجه این که ملاک شیخ در تنظیم نام افراد، تنها حرف اول اسامی بود و نمی‌خواست این نظم در حروف بعدی کلمه رعایت شود، برای مثال در باب همزه در اصحاب امام حسین علیه السلام سه نام را اینگونه ضبط کرده است: انس بن الحارث الکاهلی، اسعد الشبامی و اسلم مولی ابن المدینه. حال آن که با توجه به حروف الفبا، این اسامی باید به صورت اسعد الشبامی، اسلم مولی ابن المدینه و انس بن الحارث مرتب می‌شد. این عدم چینش بر اساس حروف الفبا در تمام رجال شیخ به چشم می‌خورد. نکته دیگر آن که شیخ طوسی در معرفی راویان به حداقل اطلاعات بسنده می‌کند و ذیل اصحاب امام حسین علیه السلام تنها به بیان نام افراد اکتفا می‌نماید و از وثاقت یا تضعیف یا

۱. شیخ طوسی، رجال، تحقیق قیومی، ص ۱۷.

۲. شبیری زنجانی، «رجال طوسی»، دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۹، ص ۵۴۳.

دیگر مطالب مربوط به آنها نکته‌ای بیان نمی‌کند و برخی از همان نکات اندکی که بیان می‌کند، قابل تأمل هستند. برخی درباره دلیل این روش شیخ در نوشتن رجال می‌گویند:

شیخ با توجه به موقعیت مرجعیت عامه و شرایط سیاسی - مذهبی بغداد و

هم‌چنین حل اختلاف و تعارضات میان علمای شیعه، شیوه مصلحتی در پیش

گرفته و در کتاب‌های رجالی خود به عمد از تضعیف بسیاری از راویان و مؤلفان

و آثارشان خودداری کرده است.^۱

در حالی که این مطلب صرف ادعا است و نیازمند دلیل یا حداقل مؤید است. هم‌چنین، اگر شیوه شیخ مصلحت سنجی بود؛ چرا در تألیف فهرست، چنین شیوه‌ای را پیش نگرفته است و به جرح و تعدیل راویان پرداخته است؟^۲ با توجه به فاصله زمانی تألیف این دو کتاب و مستقل بودن آن‌ها می‌توان این احتمال را مطرح کرد که شاید اهداف نگارش هر کتاب متفاوت از دیگری باشد.

هم‌چنین؛ چرا شیخ هنگام نقل زیارت عاشورا در کتاب مصباح المتهجد با بیان عبارت «اللَّهُمَّ خُصَّ أَنْتَ أَوْلَ ظَالِمٍ بِاللَّعْنِ مِنِّي وَابْدَأْ بِهِ أَوْلًا ثُمَّ الثَّانِيَّ وَالثَّالِثَ وَالرَّابِعَ اللَّهُمَّ الْعَنُ يَزِيدَ خَامِسًا»^۳ شیوه مصلحتی را پیش نگرفته است و نقل همین عبارت سبب شد، القادر بالله (۴۲۲ق). خلیفه عباسی، شیخ را احضار کند تا در مورد عبارت «أَوْلًا ثُمَّ الثَّانِيَّ وَالثَّالِثَ» توضیح دهد.^۴

۱. شمشیری، «مزایای فهرست نجاشی بر فهرست و رجال شیخ طوسی و بررسی نسبت و اختلاف

آنها با یکدیگر»، فصلنامه علوم قرآن و حدیث، ص ۱۱۴.

۲. شیخ طوسی، الفهرست، ص ۳۲ و ۳۳.

۳. شیخ طوسی، مصباح المتهجد، ص ۷۷۶.

۴. شیخ طوسی، الاستبصار، ج ۱، ص ۱۶؛ شیخ طوسی، الفهرست، ص ۸.

حال اگر شیخ طوسی (۴۶۰ق.) در تدوین رجال شیوه مصلحت سنجی را در نظر داشت، به گزارش ابن قولویه (۳۶۷ق.) از زیارت عاشورا که یک قرن زودتر از وی این گونه نوشته شده بود که «اللَّهُمَّ خُصَّ أَنْتَ أَوْلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ آلَ نَبِيِّكَ بِاللَّعْنِ ثُمَّ الْعَنْ أَعْدَاءَ آلِ مُحَمَّدٍ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ اللَّهُمَّ الْعَنْ يَزِيدَ وَ أَبَاهُ» اکتفا می‌کرد تا حساسیت و مصلحت سنجی کند.

بنابراین نمی‌توان گفت که شیخ طوسی در جرح و تعدیل اصحاب و راویان، مصلحت سنجی را در نظر داشته است. بلکه نکته‌ای که می‌توان گفت این است که شیخ از ابتدا و در مقدمه، هدف از تألیف رجال را جمع آوری اسامی رجال پیامبر ﷺ و ائمه اهل بیت معرفتی می‌کند^۲ و خود را ملزم به جرح و تعدیل اصحاب نمی‌کند. او در لابه‌لای این اسامی، گاهی نکاتی درباره توثیق، مجهول بودن و مذهب بیان می‌کند، ولی هدفش از تألیف رجال، جمع آوری اسامی اصحاب پیامبر ﷺ و ائمه اهل بیت بوده است.

در پایان باید گفت که برخی ادعا می‌کنند که رجال شیخ یادداشت‌های او است که موفق به تکمیل آن نشده است. به همین دلیل، شیخ نام عده‌ای را می‌برد، ولی چیزی از وثاقت یا ضعف یا صاحب کتاب و راوی بودن آن‌ها را متذکر نمی‌شود و تنها به بیان این که این فرد از اصحاب پیامبر ﷺ یا ائمه اهل بیت بوده است، بسنده می‌کند.^۳ در نهایتاً التقرير در این باره آمده است:

عدم ذکر نام برخی از راویان در کتاب‌های رجال همانند رجال شیخ، معنایش

عدم اعتنا به روایات این راویان نیست؛ زیرا کتاب رجال شیخ نام تمام راویان را

ضبط نکرده و ظاهراً این کتاب نسخه اصلی و نهایی شیخ نیست، بلکه فیش

۱. ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۳۳۲.

۲. ر. ک: شیخ طوسی، رجال، تحقیق قیومی، ص ۱۷.

۳. سبحانی، کلیات فی علم الرجال، ص ۶۹.

برداری‌های او بوده و غرض شیخ آن بود که مجدداً به این کتاب رجوع کند تا آن را تنظیم و مرتب کند و در مورد شماری از این اسامی توضیحاتی را بیان کند، موید این مدعا آن است که شیخ در برخی موارد تنها نام و نام پدر راوی را ذکر کرده، بدون آن که متعرض حال وثاقت یا عدم وثاقت آن راوی شود. دلیل دیگری که می‌توان برای عدم نهایی بودن رجال شیخ بیان کرد آن که نام برخی راویان به صورت تکراری ضبط شده است. با توجه به این نکات، ظن غالب در مورد رجال شیخ آن است که این کتاب به حد نظم و ترتیب نرسیده و به صورت یک کتاب به دست شیخ تألیف نشده است و این به خاطر کثرت اشتغال شیخ به تألیف و تصنیف در فنون مختلف اسلامی همانند فقه، اصول، احادیث، تفسیر و کلام بود. در هر صورت عدم ذکر نام یک راوی در رجال شیخ دلیل بر عدم وثاقت آن فرد نیست.^۱

آنچه به نقل از آیت الله بروجردی (۱۳۸۰ق.) بیان شد قابل تأمل است و شاید مهم‌ترین عاملی که باعث مطرح کردن این بحث شده است که رجال شیخ فیش برداری‌های او بوده است، عدم جرح و تعدیل و ضبط نام شماری از راویان در رجال شیخ است. حال آن که این مطلب و مدعا از چند جهت قابل تأمل و تردید است؛ زیرا اول این که شیخ در مقدمه رجال، هدف از تألیف این کتاب را پاسخ دادن به درخواست مصرانه شیخ فاضلی می‌داند مبنی بر این که کتابی تألیف کند که شامل نام راویان حدیث از پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام تا زمان قائم باشد.^۲

از همین روی در رجال، نام شماری از منافقان و دشمنان، مانند معاویه بن ابی سفیان، معاویه بن حکم و مروان بن حکم ضبط شده است.^۳ حال، اگر منظور شیخ از تألیف رجال،

۱. فاضل لنکرانی، *نهایة التقریر فی مباحث الصلاة*، ج ۳، ص ۲۳۱.

۲. شیخ طوسی، *رجال*، تحقیق قیومی، ص ۱۷.

۳. شیخ طوسی، *رجال*، تحقیق قیومی، ۴۶ و ۴۷.

جرح و تعدیل بود، در مقدمه به آن اشاره می‌کرد. همان‌گونه که در *الفهرست* خود به صراحت در این باره می‌نویسد:

وقتی نام نویسندگان و اصحاب اصول را ذکر کردم، چاره‌ای نیست که هرچه در مورد جرح و تعدیل آنها ذکر شده است، بیان کنم تا مشخص شود آیا می‌توان بر روایات او تکیه کرد یا نه؟ و باید اعتقاد و باور وی را تبیین کنم تا مشخص شود آیا باور و اعتقاد او موافق حق است یا مخالف آن؟^۱

همان‌گونه که بیان شد، هدف شیخ از تألیف *رجال*، جرح و تعدیل راویان نبوده است. بنابراین، نمی‌توان به صرف این که شیخ در *رجال* جرح و تعدیل نمی‌کند، این کتاب را فیش برداری‌های شیخ دانست.

دوم این که کتاب شیخ، حداقل ده سال، پیش از فوتش نوشته شده است و در اختیار دیگران قرار گرفته است. بنابراین، ادعای عدم تکمیل کتاب یا فیش برداری بودن آن، قابل پذیرش نیست؛ چراکه آن‌گونه که تحقیق شده است، تاریخ نگارش *رجال* شیخ بین سال‌های ۴۳۰-۴۳۶ ق. بوده است^۲ از همین روی، نجاشی (۴۵۰ ق.) که زمان شیخ طوسی (۴۶۰ ق.) می‌زیست در کتاب *فهرست اسما مصنفی الشیعة* در شرح نام شیخ طوسی بل بیان نام کتاب‌های شیخ تصریح می‌کند:

له كتب ... و کتاب الرجال من روی عن النبی و عن الائمة و کتاب فهرست
كتب الشیعة.^۳

این عبارت نجاشی به صراحت بیان‌گر آن است که *رجال* شیخ در زمان نجاشی منتشر شده بود و در اختیار او قرار داشت. از همین روی، نجاشی نام این کتاب را ضمن

۱. شیخ طوسی، *الفهرست*، ص ۳۲ و ۳۳.

۲. شبیری زنجانی، «رجال طوسی»، *دانشنامه جهان اسلام*، ج ۱۹، ص ۵۴۴.

۳. نجاشی، *فهرست اسما مصنفی الشیعة*، ص ۴۰۳.

کتاب‌های دیگر شیخ بیان می‌کند. سوم این که شیخ طوسی در *الفهرست* خود، ذیل بیان شرح حال و کتاب‌هایی که نوشته است، می‌نویسد:

یکی از کتاب‌های شیخ طوسی، کتاب *الرجال* است، کتابی که در مورد راویان پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام و کسانی است که بعد از آنها می‌زیسته است و هم‌چنین کتاب دیگر او، *فهرست کتاب‌های شیعه* است.^۱

حال اگر رجال شیخ، فیش برداری‌های او بود، نجاشی و شیخ نام این کتاب را در کنار دیگر آثار شیخ، هم‌چون *خلاف* و *استبصار* ضبط نمی‌کردند.

چهارم این که نه تنها، شیخ طوسی در مقدمه کتاب *سازمان‌دهی کتاب*، فصول، بخش‌های آن و نوع نگارش را بیان می‌کند، حتی *نجاشی* (۴۵۰ق.) و شیخ طوسی در *فهرست*، فصول و بخش‌های این کتاب را مشخص و معین می‌کنند.^۲ حال اگر کتاب ناقص بود، تعیین فصل بندی آن هم به وسیله دیگرانی، مانند *نجاشی* معنا نداشت. وقتی شیخ طوسی در مقدمه *رجال* تصریح می‌کند:

من اسامی راویان و اصحاب را طبق حروف معجم مرتب کردم ... و تمام تلاش خودم را تا جایی که امکان داشت و فرصت داشت، انجام دادم تا نام تمام راویان و اصحاب را جمع آوری کنم ... امیدوارم به جز اسامی انساک، تمام نام اصحاب را ضبط کرده باشم... اول نام راویان از پیامبر صلی الله علیه و آله را ضبط کردم سپس نام اصحاب دیگر ائمه علیهم السلام را.^۳

۱. شیخ طوسی، *الفهرست*، ص ۲۴۱.

۲. ر. ک: *نجاشی*، *فهرست اسماء مصنفی الشيعة*، ص ۴۰۳؛ شیخ طوسی، *الفهرست*، ص ۲۴۱؛ شیخ طوسی، *رجال*، ص ۷.

۳. شیخ طوسی، *رجال*، تحقیق قیومی، ص ۱۷.

بنابراین، آنچه برخی به نقل از آیت الله بروجردی درباره فیش بودن رجال شیخ بیان کردند، ادعایی بدون دلیل و بر خلاف دیدگاه نجاشی و شیخ طوسی است.

۳. اعتبارسنجی تاریخی رجال شیخ

همان‌گونه که بیان شد رجال شیخ در میان کتاب‌های رجالی از اهمیت بسزایی برخوردار است. از همین روی برای اعتبارسنجی مطالبی که به وسیله شیخ در اصحاب سیدالشهداء علیهم‌السلام بیان شده است، توجه به موارد ذیل اهمیت دارد و اعتبار سنجی دیگر مطالب شیخ درباره اصحاب سایر امامان، نیازمند تأمل بیشتر است.^۱

مورد اول: اختلاف نسخ

توجه به نسخه‌های خطی یا نسخه‌های متعدد چاپی یک متن کهن در تحلیل و بررسی گزاره‌های تاریخی و به دست آوردن دیدگاه نویسنده آن کتاب از اهمیت بسزایی برخوردار است. رجال شیخ طوسی از این قاعده، مستثنا نیست. از رجال شیخ، دو چاپ معروف در دست است. یکی به تحقیق جواد قیومی در سال ۱۴۱۵ قمری چاپ شده است که با مقابله نسخه‌ای خطی از سال ۵۳۳ قمری تصحیح شده است که در این مقاله از آن با نام نسخه الف یاد می‌شود. نسخه دوم در سال ۱۳۸۱ قمری و به تحقیق محمد صادق آل بحر العلوم چاپ شده است و در این مقاله از این نسخه با عنوان نسخه ب یاد می‌شود. این نسخه به دست محمد بن ادريس حلی (۵۹۸ق.) صاحب کتاب *السرائر فی الفقه*، طبق نسخه‌ای خطی که به دست شیخ طوسی نوشته شده بود، نگارش یافته است.^۲

۱. شبیری زنجانی، «رجال طوسی»، *دانشنامه جهان اسلام*، ج ۱۹، ص ۵۴۳-۵۵۲. به عنوان نمونه نمی‌توان تنها با استناد به رجال شیخ ذیل اصحاب امام کاظم علیه‌السلام شماری از افراد را واقعی دانست؛ چرا که این مطلب قابل تأمل است که در جای دیگر باید بحث شود.

۲. شیخ طوسی، *رجال*، تحقیق آل بحر العلوم، ص ۵۲۱.

البته باید توجه داشت، تعداد افراد مذکور در این دو نسخه متفاوت است. در تحقیق آل بحر العلوم ۶۴۱۷ تن و در تحقیق قیومی ۶۴۲۹ تن ضبط شده است. حال آن که در قدیمی ترین نسخه خطی معتبر که در سال ۵۳۳ قمری به خط محمد بن سراهنگ نوشته شده است، شمار این افراد ۶۳۴۷ تن است و این تفاوت به دلیل آن است که در حاشیه نسخه خطی از رجال طوسی، نام‌هایی ضبط شده است که بسیاری از آنها به متن نسخه چاپی راه یافته‌اند. به احتمال قوی، برخی از مراجعه کنندگان به نسخه‌های کتاب، نام‌هایی را در حاشیه نسخه خطی کتاب افزوده‌اند و ناسخان بعدی به گمان این که این نام‌ها در اصل کتاب رجال بوده است، آنها را در نسخه چاپی وارد متن کرده‌اند.^۱ برخی از اختلافات دو نسخه الف و ب رجال شیخ طوسی درباره اصحاب امام حسین علیه السلام به شرح زیر است.

۱. در نسخه الف بیان شده است: «اسعد الشبامی»^۲ اما در نسخه ب، این گونه ضبط شده است: «اسعد بن حنظلة بن الشبامی قبيلة من الیمن من همدان»^۳ تا جایی که بررسی شد تنها در رجال شیخ، نام این فرد در شمار اصحاب امام حسین علیه السلام ضبط شده است. از سوی دیگر در کتاب‌های کهن فردی با نام «حنظلة بن اسعد شبامی» در شمار اصحاب امام حسین علیه السلام و شهدای کربلا ضبط شده است.^۴ گویا در این مورد، طبق نسخه ب تصحیفی رخ داده است و حنظلة بن اسعد صحیح است که *اعیان الشیعه* هم به این سهو قلم، اشاره کرده است.^۵

۱. شبیری زنجانی، «رجال شیخ طوسی»، *دانشنامه جهان اسلام*، ج ۱۹، ص ۵۴۵.

۲. شیخ طوسی، *رجال*، تحقیق قیومی، ص ۹۹.

۳. شیخ طوسی، *رجال*، تحقیق آل بحر العلوم، ص ۷۱.

۴. ابومخنف، *مقتل الحسین*، ص ۱۵۲؛ طبری، *تاریخ طبری*، ج ۴، ص ۳۳۷؛ مشهدی، *المزار الکبیر*،

ص ۴۹۴؛ ابن طاووس، *الاقبال*، ج ۳، ص ۷۹.

۵. امین، *اعیان الشیعه*، ج ۳، ص ۲۹۶.

۲. در نسخه الف بیان شده است: سلیمان، مولای حسین با او به شهادت رسید،^۱ اما در نسخه ب، نام مولای حسین، سلیم ضبط شده است.^۲ در این مورد، نسخه الف صحیح و مطابق با گزارش کتاب‌های کهن است که در ادامه مقاله به تفصیل بحث شده می‌شود.

۳. در نسخه الف گزارش شده است: عبدالله بن الحسین که مادرش، رباب نام داشت در کربلا به شهادت رسید،^۳ اما در نسخه ب، نام حسن به عنوان پدر عبدالله ضبط شده است.^۴ حال آن که به تصریح کتاب‌های کهن، عبدالله شیرخواره فرزند امام حسین علیه السلام و رباب بود که به شهادت رسید.^۵ با وجود آن که در نسخه خطی، نام عبدالله بن حسن ضبط شده است،^۶ باید توجه داشت تصحیف حسین به حسن در میان نسخه‌ها بسیار رخ داده است و شاید بتوان این مورد را حمل بر تصحیف کرد.

۵. از دیگر اختلافات این دو نسخه، نام مجمع بن عبدالله است. در نسخه الف، نام مجمع ضبط شده است،^۷ اما در نسخه ب، نام محمد بن عبدالله^۸ که بنابر گزارش کتاب‌های کهن، نوع ضبط نسخه الف، صحیح است و در کتاب‌های کهن، نام مجمع بن

۱. شیخ طوسی، رجال، تحقیق قیومی، ص ۱۰۱.

۲. شیخ طوسی، رجال، تحقیق آل بحر العلوم، ص ۷۴.

۳. شیخ طوسی، رجال، تحقیق قیومی، ص ۱۰۳.

۴. شیخ طوسی، تحقیق آل بحر العلوم، ص ۷۶.

۵. ر. ک: طبری، تاریخ طبری، ج ۴، ص ۳۴۲؛ طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۳، ص ۱۰۳؛ شیخ مفید،

الارشاد، ج ۲، ص ۱۰۸ و ۱۳۵.

۶. شیخ طوسی، رجال تحقیق آل بحر العلوم، ص ۱۰۲.

۷. شیخ طوسی، رجال، تحقیق قیومی، ص ۱۰.

۸. شیخ طوسی، رجال، تحقیق آل بحر العلوم، ص ۸۰.

عبدالله به عنوان شهید کربلا ضبط شده است.^۱ لازم به توضیح است که اختلافات نسخ رجال شیخ به این موارد منحصر نمی‌شود و به سبب محدودیت در حجم مقاله از بیان موارد دیگر صرف نظر می‌گردد. بنابراین با توجه به موارد بالا نسخه الف ارجح و اضبط از نسخه ب است.

مورد دوم: عدم جامعیت

شیخ طوسی در مقدمه کوتاه ابتدای کتاب خود می‌نویسد:

هدم از نوشتن این کتاب، جمع آوری اسماء رجال بود ... و در حد توان تلاش کردم به این هدف برسیم ... امیدوارم افراد شاذ و نادری از اصحاب معصومین از قلم افتاده باشد.^۲

از همین روی توقعی نیست که شیخ نام تمام اصحاب سیدالشهداء علیهم السلام را ضبط کرده باشد، اما این توقع است که حداقل، نام بزرگان اصحاب و راویان معصومین ثبت شده باشد. حال آن که در واقع چنین نیست و در بررسی که صورت گرفت، شیخ طوسی در اصحاب سیدالشهداء علیهم السلام نام برخی از مشهورترین اصحاب را ضبط نکرده است. شهدایی مانند بریر بن خضیر، بدر بن معقل، بشیر بن عمرو، جابر بن حارث، سعید بن عبدالله حنفی، سیف بن حارث، عمار بن اَبی سلامة، عمرو بن قرظة، قاسط بن زهیر، یزید بن زیاد، ام وهب و سلیمان مولای بصریان که همه از بزرگان اصحاب و شهدای کربلا هستند.

شیخ نه تنها نام این اصحاب را که حتی نام شماری از بستگان امام حسین علیه السلام مانند ابوبکر بن حسن، جعفر بن عقیل، عبدالرحمن بن عقیل، عبدالله بن عقیل، عثمان بن علی،

۱. ابومخنف، مقتل الحسین، ۱۵۹ و ۱۶۰؛ کلبی، نسب معد، ج ۱، ص ۳۲۰؛ طبری، تاریخ طبری،

ج ۴، ص ۳۴۰.

۲. شیخ طوسی، رجال، تحقیق قیومی، ص ۱۷.

قاسم بن حسن را ضبط نکرده است. بنابراین با وجود این که شیخ بیان می‌کند که امیدوارم افراد شاذ و نادری از اصحاب معصومین از قلم افتاده باشد^۱، نام این بزرگان در اصحاب امام حسین علیه السلام ضبط نشده است. حال ممکن است، اشکال شود که هیچ شاهی نداریم که این نسخه‌های در دسترس، همان نسخه کامل رجال شیخ باشد، پس در نتیجه اشکال بالا وارد نیست.

در پاسخ باید گفت که در زمان حاضر از رجال شیخ، دو نسخه موجود است. یکی به تحقیق جواد قیومی که با مقابله نسخه‌ای خطی از سال ۵۳۳ق. تنظیم شده است و دیگری به تحقیق آل بحرالعلوم که از روی نسخه خطی شیخ طوسی در سال ۵۹۸ق. نوشته شده است.^۲ آنچه در این پژوهش بیان می‌شود بر اساس نسخ موجود از رجال شیخ است. حال این که در عالم واقع، ممکن است نسخه‌ای کامل تر باشد یا در اصل، رجال از آثار شیخ نباشد و پیش فرض‌هایی این چینی، جایگاهی در تحقیق و پژوهش ندارد. آنچه ملاک و معیار این تحقیق است نسخ موجود از رجال شیخ است، نه احتمالات بدون دلیل و مؤید. شاید در آینده، نسخه‌ای کامل تر از رجال شیخ به دست آید، اما وجود چنین احتمالی، نباید مانع از تحقیق و بررسی نسخ موجود شود.

مورد سوم: نوع ضبط برخی اسامی

برخی از نام‌هایی که شیخ طوسی در کتاب خود ضبط کرده است، در تاریخ کهن به گونه‌ای دیگر ثبت شده‌اند. برای مثال، شیخ نام مولای ابوذر را چون ضبط نموده است.^۳ حال آن که نام حوئی در شمار شهدای کربلا ضبط شده است^۴ نه چون!

۱. همان.

۲. شبیری زنجانی، «رجال شیخ طوسی»، دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۹، ص ۵۴۵.

۳. شیخ طوسی، رجال، تحقیق قیومی، ص ۹۹.

۴. ر. ک: ابومخنف، مقتل الحسین، ص ۱۱۰؛ بلاذری، جمل من انساب الاشراف، ج ۳، ص ۳۹۳؛

طبری، تاریخ طبری، ج ۴، ص ۳۱۸.

شیخ طوسی و به تبع او، برخی از دیگر رجالیون^۱ و حتی ابن حجر (۸۵۲ق.۰)^۲ و محسن امین، نام یکی از اصحاب امام حسین علیه السلام را حجاج بن مرزوق ضبط کرده‌اند. امین در ادامه به صورت مستقل، نام حجاج بن مسروق را بیان کرده است.^۳ گویا ایشان چنین برداشت کرده است که در میان اصحاب امام حسین علیه السلام دو شخصیت به نام حجاج بن مرزوق و حجاج بن مسروق بودند. حال آن که نوع ضبط مرزوق نادرست است و بر اساس گزارش منابع کهن، حجاج بن مسروق از اصحاب امام و شهدای کربلا است.^۴

مورد دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد، نام مالک بن سریع است. وی یکی از اصحاب امام حسین علیه السلام بود که شیخ طوسی ضبط کرده است.^۵ حال آن که طبق منابع کهن، مالک فرزند عبدسریع است، نه فرزند سریع. مورخانی هم‌چون ابومخنف (۱۵۰ق.۰)، کلبی (۲۰۴ق.۰)، طبری (۳۱۰ق.۰)، ابن اثیر (۶۳۰ق.۰)، ابن طاووس (۶۶۴ق.۰) نام پدر مالک را عبد بن سریع ضبط کرده‌اند و درباره شهادت وی گزارش می‌دهند:

روز عاشورا دو جوان جاہری به نام سیف بن حارث بن سریع و مالک بن عبد بن سریع که پسر عمو بودند و از طرف مادر با هم برادر، در حال گریه نزد [امام] حسین علیه السلام آمدند؛ آن حضرت پرسید: ای پسران برادرانم! چه چیز موجب گریه شما شده؟... آن دو پاسخ دادند: خداوند ما را فدایت کند، نه، به خدا قسم

۱. شیخ طوسی، رجال، تحقیق قیومی، ص ۱۰۰؛ تفرشی، تقد الرجال، ج ۱، ص ۴۰۳؛ اردبیلی، جامع الرواة، ج ۱، ص ۱۸۰؛ بروجردی، طرائف المقال، ج ۲، ص ۶۷.
۲. ابن حجر عسقلانی، لسان المیزان، ج ۲، ص ۱۷۹.
۳. امین، اعیان الشیعة، ج ۴، ص ۵۶۸.
۴. ابومخنف، مقتل الحسین، ص ۸۳؛ بلاذری، جمل من انساب الاشراف، ج ۳، ص ۴۰۵؛ طبری، تاریخ طبری، ج ۴، ص ۳۰۳؛ شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۷۹.
۵. شیخ طوسی، رجال، تحقیق قیومی، ص ۱۰۵.

ما برای خود گریه نمی‌کنیم. گریه ما به خاطر این است که شما [به وسیله دشمن] محاصره شده [و هیچ یار و یاورى ندارید] و ما قادر نیستیم دشمنان را از شما دفع کنیم... بعد از شهادت حنظلة بن اسعد شبامی آن دو راهی میدان شدند و به شهادت رسیدند.^۱

نکته‌ای که باید به آن توجه داشت این است که گویا مستند نویری، ابن‌اثیر، طبری و کلبی، همان گزارش ابومخنف است، اما نمی‌توان این مطلب حمل بر ضعف کرد؛ زیرا نقل سایرین از ابومخنف خود دلیل بر قبول، اعتماد و تأیید گزارش ابومخنف است.

همان‌گونه که بیان شد مالک فرزند عبدسریع بود نه فرزند سریع. لازم به توضیح است، برخی از قدما نام پدر مالک را عبدالله ضبط کرده‌اند^۲، اما از آن‌جا که گزارش اول به وسیله مورخان بزرگی چون ابومخنف، طبری، کلبی و ابن‌اثیر نقل شد و گزارش آنها از جهت تقدم زمانی و وثاقت در ضبط بر گزارش دوم ترجیح دارد، از همین روی، نوع ضبط مالک بن عبدسریع درست است نه نوع ضبط مالک بن عبدالله و شاید به همین جهت بزرگانی، مانند مامقانی (۱۳۵۹ق.) و خویی (۱۴۱۳ق.) ضمن بیان نام مالک بن سریع در شمار اصحاب امام حسین علیه السلام تصریح می‌کنند که برحسب ظاهر مالک بن سریع همان مالک بن عبدسریع است که در کربلا به شهادت رسید.^۳

۱. کلبی، نسب معد، ج ۲، ص ۵۱۱؛ طبری، تاریخ طبری، ج ۴، ص ۳۳۷؛ ابن‌اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۴، ص ۷۲؛ ابن‌طاووس، الاقبال الاعمال، ج ۳، ص ۷۹.
۲. بلاذری، جمل من انساب الاشراف، ج ۳، ص ۴۰۵؛ ابن‌نما، مشیر الاحزان، ص ۴۹؛ ابن‌طاووس، الاقبال الاعمال، ج ۳، ص ۳۴۵؛ خوارزمی، مقتل الحسین، ج ۲، ص ۲۷.
۳. مامقانی، تنقیح المقال، ج ۲، ص ۴۹؛ خوئی، معجم رجال الحدیث، ج ۱۴، ص ۱۷۴.

مورد چهارم: اشاره نکردن به شهادت برخی اصحاب

شیخ طوسی در مقدمه کتاب *رجال*، هدف خود از نگارش این کتاب را جمع آوری اسامی اصحاب پیامبر (ص) و ائمه (ع) بیان می‌کند.^۱ بر اساس این ادعا انتظار می‌رود که شیخ نام تمام یا حداقل، مشهورترین اصحاب معصومین (ع) را بیان کرده باشد. حال آن‌که شیخ در *رجال* خود، نام ۱۰۹ تن از اصحاب امام حسین (ع) را بیان می‌کند و تنها به شهادت یازده تن با نام‌های جعفر بن علی، سلیمان مولای حسین، عباس بن علی، عبدالله بن علی، علی بن حسین، عبدالله بن حسن، عون بن عبدالله، عبدالله بن مسلم، محمد بن عبدالله بن جعفر، منجح مولای حسین و ابوبکر بن علی اشاره می‌نماید.

او ذیل نام افرادی چون انس بن حارث، جندب بن حجیر، حبیب بن مظاهر، حر بن یزید، حنظله بن اسعد، زهیر بن قین، سیف بن مالک، شیبب بن عبدالله و شوذب مولای شاکر که همه از شهدای معروف و مشهور هستند، هیچ اشاره‌ای به شهادت یا توثیق آن‌ها نمی‌کند.^۲

فلسفه اصلی علم *رجال*، معرفی اجمالی افراد است و حداقل لازم بود در معرفی اصحاب امام حسین (ع) به شهادت آن‌ها اشاره می‌گردید و یک شیوه و روش دنبال می‌شد، نه این‌که در معرفی برخی به شهادت تصریح شود و در معرفی سایر اصحاب، سخنی از شهادت به میان نیاید. تستری ذیل نام جندب بن حجیر در این باره می‌نویسد:

شیخ طوسی در *رجال*ش نام وی را در شمار اصحاب امام ضبط کرده است و

بر شیخ لازم بود به شهادت وی تصریح کند.^۳

۱. شیخ طوسی، *رجال*، تحقیق قیومی، ص ۱۷.

۲. ر. ک: همان، ص ۹۹-۱۰۶.

۳. تستری، *قاموس الرجال*، ج ۲، ص ۷۳۹.

این مطلب صاحب قاموس در مورد تمام شهدای کربلا صدق می‌کند. حال ممکن است اشکال شود، شیخ در مقدمه تصریح می‌کند که هدف او، گردآوری اسامی صحابه پیامبر ﷺ و اصحاب ائمه علیهم السلام است، از همین روی نمی‌توان اشکال کرد که چرا اطلاعات زیادی درباره افراد نداده است؟ در پاسخ به این اشکال می‌توان گفت که اگر چنین است، پس چرا یک روش واحد را در مورد اصحاب امام حسین علیهما السلام پیش نگرفته است و ذیل نام یازده تن از اصحاب آن حضرت، به شهادت ایشان در کربلا تصریح می‌کند، اما ذیل نام سایر شهدای نینوا، هیچ سخنی از شهادت آنها نمی‌کند؟

هرچند شیخ در مقدمه بیان می‌کند، هدفش جمع آوری نام اصحاب پیامبر ﷺ و ائمه علیهم السلام است، ولی در عمل، افزون بر این مدعا، برخی افراد را هویت شناسی کرده است. نکته دیگر این که فلسفه تدوین علم رجال شناخت احوال، اوصاف و هویت راویان از جهت وثاقت و ضعف در نقل حدیث است، کسانی که شناخت آنها منجر به قبول یا عدم قبول قول آنها می‌شود.^۱ برخلاف علم تراجم که از جهت وثاقت و ضعف، افراد را مورد بررسی قرار نمی‌دهد، بلکه علم تراجم به بیان کمالات فردی و آثار وجودی در ابعاد سیاسی، فرهنگی و اجتماعی می‌پردازد. حال تفاوتی نمی‌کند، افراد مورد بحث در علم تراجم از علما باشند یا از راویان احادیث.^۲

مورد پنجم: جرح عامر بن مسلم

همان گونه که بیان شد شیخ طوسی در رجال خود به جرح و تعدیل راویان و اصحاب معصومین نمی‌پردازد و از میان ۶۴۲۹ نامی که ضبط کرده است، تنها ذیل ۴۲ نام به

۱. شیخ طوسی، اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۳؛ رسائل فی درایة الحدیث، ج ۲، ص ۵۲۶؛ سبحانی، کلیات فی علم الرجال، ص ۱۱؛ جدیدی نژاد، معجم مصطلحات الرجال و الدرایة، ص ۱۰۵.

۲. سبحانی، کلیات فی علم الرجال، ص ۱۳ و ۱۵.

مجهول بودن حال آنها اشاره می‌کند.^۱ شیخ در معرفی ۹۸ نامی که برای اصحاب سیدالشهداء (ع) نقل می‌کند، تنها در مورد عامر بن مسلم و مسلم مولای حسین به مجهول بودن حال آنها تصریح می‌کند.^۲

رجال شناسان بعد از شیخ، بدون تفحص در تاریخ و به تبعیت از شیخ طوسی به مجهول بودن حال عامر بن مسلم اشاره می‌کنند^۳، اما باید توجه داشت که این گزارش شیخ طوسی و دیگر رجال شناسان قابل تأمل است؛ زیرا اول این که به تصریح بزرگانی چون کلبی (۲۰۴ق.)، ابن زبیر (قرن دوم)، ابن حزم، (۴۵۶ق.)، ابن شهر آشوب (۵۸۸ق.)، مشهدی (قرن ششم)، محلی (۶۲۵ق.)، ابن اثیر (۶۳۰ق.)، ابن طاووس (۶۶۴ق.) و شهید اول (۷۸۶ق.) عامر بن مسلم از شهدای کربلا است.^۴

رجال شناسان با تکیه بر سخن شیخ طوسی به مجهول بودن حال عامر تصریح می‌کنند. حال آن که باید توجه داشت معنا و مفهوم لفظ مجهول میان قدما و متأخرین

۱. ر. ک: شیخ طوسی، رجال، تحقیق قیومی، ص ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۲۷، ۱۳۶، ۱۳۸، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۸، ۱۵۰، ۱۵۱، ۲۹۶، ۳۳۶، ۳۴۱، ۳۳۸، ۳۴۲، ۳۴۴، ۳۴۷، ۳۵۳، ۳۵۶، ۳۵۸، ۳۶۳، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰.

۲. همان، ص ۱۰۳ و ۱۰۵.

۳. علامه حلی، خلاصه الاقوال، ص ۳۷۹؛ ابن داود، رجال، ص ۲۵۲؛ تفرشی، نقد الرجال، ج ۳، ص ۱۳؛ اردبیلی، جامع الرواة، ج ۱، ص ۴۲۸؛ بروجردی، طرائف المقال، ج ۲، ص ۶۹؛ خوئی، معجم رجال الحدیث، ج ۱۰، ص ۲۱۹.

۴. کلبی، نسب معد، ج ۱، ص ۱۱۳؛ مرشد، الامالی الخمیسیة، ص ۱۷۲؛ ابن حزم، جمهرة انساب العرب، ص ۲۹۳؛ ابن شهر آشوب، مناقب، ج ۴، ص ۱۱۳؛ مشهدی، المزار الکبیر، ص ۴۹۴؛ محلی، الحدائق الوردیة، ص ۱۲۱؛ ابن اثیر، اللباب فی تهذیب الانساب، ج ۲، ص ۳۵۹؛ ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۳، ص ۷۸ و ۳۴۵؛ شهید اول، المزار، ص ۱۵۲.

متفاوت است. نزد قدما یکی از الفاظ جرح و تعدیل، واژه مجهول است، اما نزد متأخرین و معاصرین، مفهوم این لفظ اعم از مجهول و مهمل است و نزد آنها این لفظ برای جرح استعمال نمی‌شود.^۱

لازم به توضیح است، برخی از رجال‌شناسان معاصر با وجود این که دیدگاه شیخ طوسی را مبنی بر مجهول بودن حال عامر بیان می‌کنند، ولی در کتاب‌های رجال خود، نام عامر را به عنوان یکی از شهدای کربلا ضبط کرده‌اند.^۲ حتی مامقانی در نقد و بررسی مجهول بودن حال عامر بیان می‌کند:

از این جا ظاهر می‌شود آن چیزی که صادر شد از آیه الله [علامه حلی] در کتاب خلاصه الاقوال که بیان داشته است: عامر بن مسلم از اصحاب حسین و مجهول است، [این قول] ناشی از عدم فحص از حال عامر بن مسلم است و چه عدالتی بالاتر و چه توثیقی بزرگ‌تر از بذل نفس با علم به پیروزی دشمن [در راه امام حسین] است.^۳

باید توجه داشت، مامقانی این نقض و نقد را به کلام علامه وارد کرده است و علامه تصریح دارد که شیخ طوسی، عامر را مجهول می‌داند. بنابراین، نقد سخن علامه در واقع، همان نقد کلام شیخ است. مطلب مامقانی قابل تأمل است؛ زیرا، قبل از علامه حلی (۷۲۶ق)، شیخ طوسی (۴۶۰ق) عامر بن مسلم را مجهول ضبط کرده است و این اشکال، پیش از آن که متوجه علامه باشد به شیخ طوسی باز می‌گردد. همان گونه که تستری، اشکال را به رجال شیخ و ابن داود بازگردانده است.^۴

۱. سبحانی، کلیات فی علم الرجال، ص ۱۲۲.

۲. نمازی، مستدرکات علم رجال، ج ۴، ص ۳۲۲؛ ر. ک: خوئی، معجم رجال الحدیث، ج ۱۰، ص ۲۱۹.

۳. مامقانی، تنقیح المقال، ج ۲، ص ۱۱۷.

۴. تستری، قاموس الرجال، ج ۵، ص ۶۵۲.

هم‌چنین از دیدگاه علامه حلی، اگر ائمه رجال در مورد فردی به مجهول بودن او تصریح کنند، این لفظ یکی از الفاظ جرح است.^۱ بنابراین، لفظ مجهول در کلام قدما مساوی با تضعیف است و از جمله الفاظ جرح است. بنابراین، وقتی شیخ طوسی و علامه حلی تصریح دارند که عامر بن مسلم مجهول است، از دیدگاه آنها، این لفظ به معنای عدم وثاقت و جرح عامر بن مسلم است.

۴. نتیجه

در خصوص اعتبار سنجی رجال شیخ طوسی درباره اصحاب امام حسین علیه السلام نتیجه به دست آمده این است که با وجود وسعت اطلاعات و تخصص بالای شیخ طوسی در رشته‌های مختلف، اما برخی مطالب کتاب رجال او درباره اصحاب امام حسین علیه السلام از نظر تاریخی، قابل تأمل و تردید است. شیخ طوسی ذیل اصحاب سیدالشهداء علیهم السلام نام برخی از مشهورترین اصحاب، مانند بریر بن خضیر را ضبط نکرده است و از آن‌جا که فلسفه اصلی علم رجال، معرفی اجمالی افراد است، حداقل لازم بود در معرفی اصحاب امام حسین علیه السلام به شهادت آنها اشاره می‌گردید و یک شیوه دنبال می‌شد، نه این‌که ذیل نام برخی به شهادت آنها تصریح شود و ذیل سایر اصحاب، هیچ سخنی از شهادت به میان نیاید.

نکته دیگر این‌که به تصریح بزرگانی چون کلبی (۲۰۴ق.) و ابن‌زبیر (قرن دوم)، عامر بن مسلم از شهدای کربلا است. در حالی که شیخ طوسی به مجهول بودن حال عامر تصریح می‌کند. بنابراین، نباید گفتار و کتاب‌های شیخ به صورت منبع غیر قابل نقد در نظر گرفته شود. بلکه برخی گفتار و کتاب‌های وی، نیازمند تأمل، نقد و بررسی است و تنها در این صورت می‌توان به برخی حقایق نسبی تاریخی - رجالی دست یافت.

۱. سبحانی، کلیات فی علم الرجال، ص ۱۲۲.

منابع

۱. ابن اثير، على، الكامل فى التاريخ، بيروت: دار صادر، ۱۳۹۹ق.
۲. ابن اثير، على، اللباب فى تهذيب الانساب، بغداد: مكتبة المثنى، بى تا.
۳. ابن اعثم، احمد، الفتوح، تحقيق على شيرى، بيروت: دار الاضواء، ۱۴۱۱ق.
۴. ابن بطريق، يحيى، العمدة، عيون صحاح الاخبار فى مناقب امام الابرار، قم: النشر الاسلامى، ۱۴۰۷ق.
۵. ابن جوزى، سبط، تذكرة الخواص، طهران: مكتبة نينوا، بى تا.
۶. ابن حاتم، يوسف، الدر النظيم، قم: مؤسسة النشر الاسلامى، بى تا.
۷. ابن حجر عسقلانى، احمد، الاصابة فى تمييز الصحابة، تحقيق عادل احمد و على محمد، بيروت: دار الكتب العلمية، ۱۴۲۶ق.
۸. ابن حجر عسقلانى، تهذيب التهذيب، بيروت: دار الفكر، ۱۴۰۴ق.
۹. ابن حجر عسقلانى، لسان الميزان، الطبعة الثانية، بيروت: مؤسسة الاعلمى، ۱۳۹۰ق.
۱۰. ابن حزم، على، جمهرة انساب العرب، تحقيق لجنة من العلماء، بيروت: دار الكتب العلمية، ۱۴۰۳ق.
۱۱. ابن داود، حسين، رجال ابن داود، تحقيق محمد صادق آل بحر العلوم، نجف: الحيدرية، ۱۳۹۲ق.
۱۲. ابن سعد، محمد، ترجمة الإمام الحسين و مقتله من القسم غير المطبوع من كتاب الطبقات الكبير، تحقيق عبدالعزيز الطباطبائى، قم: مؤسسة آل البيت، ۱۴۱۵ق. #
۱۳. ابن شهر آشوب، محمد، مناقب آل ابى طالب، قم: انتشارات علامة، بى تا. #
۱۴. ابن صباغ، على، الفصول المهمة فى معرفة الأئمة، تحقيق سامى الغريرى، قم: دار الحديث، ۱۴۲۲ق.

١٥. ابن طاووس، علی، *الاقبال بالأعمال الحسنة*، تحقیق جواد القیومی، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ١٤١٦ق.
١٦. ابن قولویه، جعفر، *کامل الزیارات*، تحقیق جواد القیومی، قم: مؤسسة نشر الفقاهة، ١٤١٧ق.
١٧. ابن کثیر، اسماعیل، *البداية و النّهاية*، تحقیق علی شیری، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ١٤٠٨ق. #
١٨. ابن نما الحلّی، محمد، *مشیر الأحرار*، النجف الاشرف: المطبعة الحیدریة، ١٣٦٩ق.
١٩. ابن یوسف الحلّی، علی، *العدد القویة لدفع المخاوف الیومیة*، تحقیق مهدی رجائی، قم: مکتبة مرعشی نجفی، ١٤٠٨ق. #
٢٠. ابوالفرج الاصفهانی، *مقاتل الطالبین*، تحقیق احمد صقر، چاپ دوم، بی جا: اسماعیلیان، ١٩٧٠م.
٢١. ابومخنف، لوط بن یحیی، *مقتل الحسین*، تحقیق حسن غفاری، چاپ دوم، قم: حسن غفاری، ١٣٦٤ق.
٢٢. ابی الفتح الاربلی، علی، *کشف النعمة فی معرفة الأئمة*، تبریز: مکتبة بنی هاشم، ١٣٨١ق.
٢٣. اردبیلی، محمد، *جامع الرواة*، بی جا: مکتبة المحمدی، بی تا.
٢٤. استرآبادی، محمد، *الایجاز فی علمی الرجال و الدراییة*، تحقیق مهدی مهریزی و علی صدراپی خویی، قم: دار الحدیث، ١٣٨٥.
٢٥. اسماعیلی، عباس، *سحاب رحمت*، چاپ هفتم، قم: مسجد جمکران، ١٣٨٥.
٢٦. امین، محسن، *اعیان الشیعة*، بیروت: دار التعارف، ١٤٠٣ق.
٢٧. بحر العلوم، مهدی، *الفوائد الرجالیة*، تحقیق محمدصادق بحر العلوم، طهران: مکتبة الصادق، ١٣٦٣.

۲۸. بروجردی، حسین، *نهایة التقرير فی مباحث الصلاة*، تقرير فاضل لنكرانى، تحقيق مركز فقه الائمة الاطهار، چاپ سوم، قم: مركز فقه الائمة الاطهار، ۱۴۲۰ق. #
۲۹. بروجردی، علی اصغر، *طرائف المقال فی معرفة طبقات الرجال*، تحقيق مهدی روحانی، قم: مكتبة آیت الله مرعشی، ۱۴۱۰ق.
۳۰. بغدادی، محمد، *المحبر، بی جا: مطبعة الدائرة*، ۱۳۶۱ق.
۳۱. بلاذری، احمد، *جمل من انساب الاشراف*، تحقيق سهیل و ریاض، بیروت: دار الفکر، بی تا.
۳۲. پور امینی، محمدباقر، *چهره‌ها در حماسه کربلا*، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۸.
۳۳. تستری، محمدتقی، *قاموس الرجال*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۹ق.
۳۴. تفرشی، مصطفی، *تقد الرجال*، تحقيق مؤسسه آل البيت، قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۸ق.
۳۵. جعفریان، رسول، *تأملی در نهضت عاشورا*، چاپ چهارم، قم: انصاریان، ۱۳۸۴ق.
۳۶. خوارزمی، الموفق، *مقتل الحسین*، تحقيق محمد السماوی، قم: انوار الهدی، ۱۴۱۸ق.
۳۷. خوئی، ابوالقاسم، *معجم رجال الحديث*، الطبعة الخامسة، نجف الاشرف: مطبعة الآداب، ۱۴۱۳ق.
۳۸. ذهبی، محمد، *سير اعلام النبلاء*، چاپ دوم، بیروت: مؤسسه الرسالة، ۱۴۲۹ق.
۳۹. سبحانی، جعفر، *کلیات فی علم الرجال*، چاپ سوم، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۴ق.
۴۰. شبیری زنجانی، «رجال طوسی»، *دانشنامه جهان اسلام*، تهران: بنیاد دایرة المعارف اسلامی، ۱۳۷۵.
۴۱. شمشیری، رحیمه، «مزیایای فهرست نجاشی بر فهرست و رجال شیخ طوسی و بررسی نسبت و اختلاف آنها با یکدیگر» *فصلنامه مطالعات اسلامی*، ۱۳۸۸، شماره ۳.

٤٢. شهيد اول، محمد بن مكى، المزار، تحقيق مدرسة الامام المهدي، قم: مدرسة الامام المهدي، ١٤١٠ق.
٤٣. شيخ مفيد، محمد، الارشاد فى معرفة حجج الله على العباد، تحقيق مؤسسة آل البيت، قم: المؤتمر العالمى لالفية ال شيخ المفيد، ١٤١٣ق.
٤٤. طبرانى، سليمان، المعجم الكبير، تحقيق حمدى عبدالمجيد، چاپ دوم، بيروت: دار احياء التراث العربى، ١٤٠٦ق.
٤٥. طبرسى، فضل، اعلام الورى باعلام الهدى، چاپ سوم، بى جا: دار الكتب الاسلامية، بى تا.
٤٦. طبرسى، فضل، تاج المواليد فى مواليد الأئمة ووفياتهم، قم: مكتبة مرعشى نجفى، ١٤٠٦ق.
٤٧. طبرى، محمد، تاريخ الطبرى، قاهره: الإستقامة، ١٣٥٨ق.
٤٨. طوسى، محمد، الاستبصار، تحقيق حسن الموسوى، الطبعة الرابعة، طهران: دار الكتب الاسلامية، ١٣٦٣.
٤٩. طوسى، محمد، الفهرست، تحقيق جواد القيوى، قم: مؤسسة نشر الفقاهة، ١٤١٧ق.
٥٠. طوسى، محمد، رجال الطوسى، تحقيق جواد القيوى، قم: مؤسسة النشر الاسلامى، ١٤١٥ق.
٥١. طوسى، محمد، رجال الطوسى، تحقيق محمدصادق آل بحر العلوم، النجف الاشرف: الحيدرية، ١٣٨١ق.
٥٢. طوسى، محمد، مصباح المتهدج، بيروت: مؤسسة فقه الشيعة، ١٤١١ق.
٥٣. علامه حلى، حسن بن مطهر، المستجاد من الارشاد، قم: مكتب المرعشى النجفى، ١٤٠٦ق.
٥٤. علامه حلى، حسن بن مطهر، خلاصة الاقوال فى معرفة الرجال، تحقيق جواد قيوى، قم: مؤسسة النشر الفقاهة، ١٤١٧ق.

۵۵. القريشي، عبدالامير، *البالغون الفتح في كربلاء*، بيروت: بيت العلم للناهيين، ۱۴۲۹ق.
۵۶. قمي، عباس، *الكنى و الالقاب*، طهران: مكتبة الصدر، بي تا.
۵۷. كلبى، هشام، *جمهرة النسب*، تحقيق ناجى حسن، بيروت: عالم الكتبي، ۱۴۰۷ق.
۵۸. مامقانى، عبدالله، *تنقيح المقال في علم الرجال*، النجف الاشرف: المطبعة المرتضوية، ۱۳۵۲ق. #
۵۹. مجلسى، محمدباقر، *بحار الانوار*، تحقيق ابراهيم الميانجى و محمدالباقر البهبودى، بيروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ق.
۶۰. محلى، حميد بن احمد، *الحدائق الوردية في مناقب ائمة الزيدية*، چاپ دوم، دمشق: دار الاسامة، ۱۴۰۵ق. #
۶۱. مرشد بالله، يحيى، *الامالى الخميسية (تسمية من قتل مع الحسين)*، چاپ سوم، بيروت: عالم الكتب، ۱۴۰۳ق. #
۶۲. مسعودى، التنبيه و الاشراف، بيروت: دار صعب، بي تا.
۶۳. مشهدى، محمد، *المزار الكبير*، تحقيق جواد قيسومى، قم: مؤسسة النشر الاسلامى، ۱۴۱۹ق.
۶۴. مغربى، نعمان بن محمد، *شرح الاخبار في فضائل الائمة الاطهار*، تحقيق محمد حسينى، قم: مؤسسة النشر الاسلامى، بي تا. #
۶۵. نجاشى، احمد، *فهرست مصنفى الشيعة*، الطبعة الخامسة، قم: مؤسسة النشر الاسلامى، ۱۴۱۶ق.
۶۶. نمازى، على، *مستدركات علم رجال الحديث*، طهران: ابن مؤلف، ۱۴۱۴ق.
۶۷. نويرى، احمد، *نهاية الأرب في فنون الأدب*، القاهرة: وزارة الثقافة و الإرشاد، بي تا.
۶۸. يعقوبى، احمد، *تاريخ يعقوبى*، بيروت: دار صادر، بي تا. #

